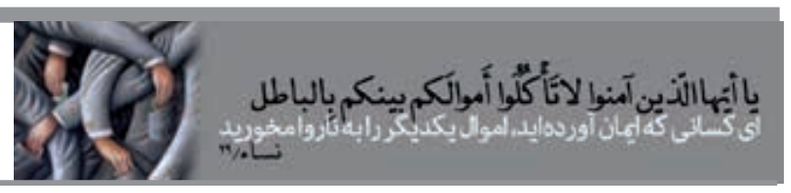

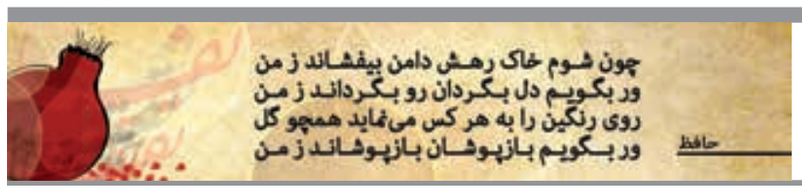

دنیا به روایت تصویر

تلگراف- نمایشگاه محیطی المان های مفهومی، کره جنوبی

یاهو- لحظه زیبای بیرون آمدن جوجه از تخم

گاردین- جت تجاری با طراحی منحصر به فرد در نمایشگاه هوایی سنگاپور

دور دنیا

شجاع ترین آدم روی زمین

گینس ورلد رکورد- ویسی جیمی خراتی، مرد جوان هندی که معروف به ثبت رکوردهای عجیب و غریب در گینس است، به تازگی رکوردی جسورانه ثبت کرده و عنوان شجاع ترین فرد را در رسانه های هند به خودش اختصاص داده است. او حاضر شد که روی یک میز بخوابد و یک استاد هنرهای رزمی هندوانه ها را روی بدن او برش دهد! این کار تا کنون باعث نقص عضو و حتی مرگ شده است. اما او اجازه داد تا این استاد هنرهای رزمی در مدت ۳۰ دقیقه، ۴۸ ضربه روی میوه های بدنش وارد کند!

جوان ترین کاشف فسیل دایناسور

آدیتی سنترال- بچه ها در سن هفت سالگی با ورود به مدرسه، معمولا دوست دارند در آینده پلیس یا دکتر یا خلبان شوند. اما «شیلی دیگو سوارز» کودک هفت ساله اهل شیلی در سن هفت سالگی وقتی در جنگل مشغول بازی بود، با استخوان های عجیب و غریبی در زیر خاک مواجه شد! او و والدین اش هرگز فکرش را نمی کردند که این استخوان ها در واقع فسیل یک دایناسور مربوط به دوران ماقبل تاریخ است. حالا او عنوان جوان ترین کاشف فسیل را در کتاب رکورد های گینس از آن خود کرده است!

شاعری که در ۲۵۹ سالگی زنده شد و ترانه‌اش را دکلمه کرد!

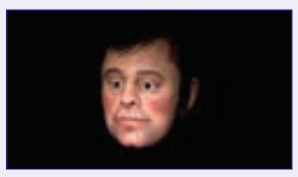

یک پزشک- بیش از دو قرن از درگذشت رابرت برنز، شاعر و ترانه‌سرای معروف اسکاتلندی می‌گذرد. حالا او در سالروز تولد ۲۵۹ سالگی خود زنده شده و به دکلمه شعر معروف «To a Mouse» خود در یک پویانمایی می‌پردازد! ماجرا این است که یک تیم از محققان انگلیسی در دانشگاه جان مور با استفاده از فناوری‌های هوش مصنوعی، طراحی چهره و ساخت شخصیت‌های سه بعدی توانستند یک پویانمایی سه بعدی و بسیار زنده از رابرت برنز شاعر تولید کنند. مدیر این تیم تحقیقاتی می‌گوید: «با استفاده از روبات‌ها و هوش مصنوعی و به کارگیری تکنیک‌های پویانمایی و چهره‌سازی‌های سه‌بعدی می‌توان هر شخصیت تاریخی را زنده کرد و نشان داد.»

زندگی بزرگان

کادوی عروسی دکتر شیخ به دخترش

یک شب قبل از عروسی‌ام، دکتر صدایم کرد. خیلی سریع رفتم اتاقش: «بله پدرجان با من امری داشتین؟» دکتر گفت: «ببین دخترم! من وضعم بد نیست. می‌تونم برای عروسیت بریز و بپاش راه بندازم و چند نوع غذا بدم و حسابی شلوغ کنم. این‌جوری تو حسابی خوشحال می شی و سری تو سرها بلند می کنی. من هم البته خوشحال و سرفراز می‌شم. اما اگر قبول کنی و از این لذت گذرا دل بکنی، می‌تونیم یک عروسی ساده با یک نوع غذا برات بگیریم و این‌جوری از هزاران دل شکستن از خانواده‌ها و دخترهای دم بخت دیگه که ممکنه عروسی پر زرق و برق تو رو ببینن جلوگیری کنیم و یک لذت همیشگی برای همه‌مون خواهد بود. حالا کدوم رو انتخاب می کنی؟!» دکتر همیشه عادت داشت برود سر اصل موضوع. اما این بار سرعتش برای گفتن اصل موضوع بیشتر از همیشه بود! کمی فکر کردم و گفتم: «بابایی من از لذت همیشگی شما بیشتر از هر چیزی لذت می‌برم!» گل از گلش شکفت و خوشحال شد. می‌خواست بال در بیاورد انگار. گفت: «حالا که این‌طور شد، یک کادوی حسابی به جز کادوی عروسی پیش من داری. اما این رو جلوی مردم بهت نمی‌دم که باز باعث نشه بقیه....»

برگرفته از کتاب «فریاد در تاکستان» نوشته محمد خسروی‌راد

سه نقطه

از اون لحاظ

کنکور شفرشناسی

در روزی که خیلی از پرسپولیسی ها منتظر بودند استقلال ذوب آهن را ببرد تا قرمزها زودتر از حد انتظار قبل از نوروز ۹۷ جشن قهرمانی بگیرند، استقلال به ذوب باخت و پرسپولیسی ها ضایع شدند و جناب شفر هم بعدش گفت: «داور و کمک‌داور بودن شغل راحتی نیست. خیلی اوقات آن‌ها روز خوب و بد دارند و فکر می‌کنم امروز (روز بازی با ذوب آهن) بهترین روزشان نبود.» یک جای دیگه هم ایشون گفته: «اعلام پنالتی به ضرر ما شرم آور بود» ایشون این جمله رو درباره همون صحنه ای گفته که دفاع استقلال با نیت قطع پای بازیکن حریف سمت اش رفت اما موفق به این کار نشد!

اما به راستی روز خوب داورها و کمک‌داورها چه روزی است؟

۱- روزی که برای استقلال پنالتی بگیرند
۲- روزی که به ضرر استقلال پنالتی نگیرند
۳- روزی که به صورت اتفاقی در بُرد استقلال سهیم باشند
۴- همه موارد به خصوص گزینه یک و دو و سه!

و اقدام شرم آور داوری چیست؟

۱- گرفتن اوت دستی به ضرر استقلال
۲- گرفتن خطا توسط بازیکن استقلال
۳- گرفتن پنالتی علیه استقلال
۴- همه موارد به خصوص مورد شماره سه

و اما چرا داورها این یک دفعه دچار اشتباه به نفع استقلال نشدند؟

۱- چون اشتباه نکردن داورها هم جزئی از اشتباهات داوری است و اشتباهات داوری هم جزئی از فوتبال
۲- داورها هم انسان اند و گاهی روز بد دارند
۳- برای این که پرسپولیسی ها دفعه بعد آرزوی بُرد استقلال را نداشته باشند
۴- همه موارد به خصوص گزینه سه

داش سامان

اعتراف می‌کنم

ایده و اجرا: صابری و مرادی

ما و شما

شماره پیامک: ۲۰۰۰۰۹۹۹

* خیلی تشکر می کنم از زندگی سلام در بخش خانواده و مشاوره. خسته نباشین. **الهه صالحان، تربت حیدریه**
* واقعا محشره زندگی سلام، برای اوقاتی که بی حوصله هستی تو خدمت شادت می کنه. **رضا سرباز، طرقبه**
* لعیا جونم، بهترین دوست و هم صحبت زندگی ام، تولدت مبارک. سیزدهمین زمستان زندگی ات را هم گذراندی. ان شاء ا... تولد ۱۲۵ سالگی ات را تبریک بگم. کسی که یک هفته ازت کوچکتره، **شکیبا**
* در همشهری سلام ۱۵ بهمن ستون درست بنویسیم، «از ملک ادب...» درست است نه «پلک ادب»

ما و شما: سپاس از توجه تان، حق با شماست.

پاسخ خفن استریپ شماره قبل: دروغ بستن - فروتن - واگیردار

پاسخ آزمون هوش

فارسی بنویسیم

بالاجبار یا به ناچار؟

من و مهراب که پشت فرمان بود، در ازدحام خودروها گیر کرده بودیم. مهراب گفت: «مثل این که قرار نیست راه باز بشه. بالاجبار باید بندازیم تو کوچه پس کوچه ها تا زودتر برسیم.» گفتم: «البته فرصت برای توصیه و نصیحت نیست، ولی ای کاش به جای «بالاجبار» می گفتی «به ناچار»!» مهراب لبخند تلخی زد و گفت: «این قدر که تو نگران زبان فارسی هستی، اگه من نگران درس و مشق بودم امروز کلی توزندگی جلو بودم.» گفتم: «یعنی تو درس خوندن رو برای پول می خواستی؟» گفت: «خب این بده؟...» در این جا بود که گره راه بندان باز شد و صدای من در صدای حرکت خودروها و بوق های ممتد گم شد. پس به ناچار سکوت کردم و به جلو خیره شدم.

اسماعیل فریدونی

فتو ترانه

نیاز طنزی ها

اندکی صبر

آدم ها

بعضی از آدم ها دروغین اند
ترجمه شده اند
فتوکپی آدم های دیگرند
و با چند درصد تخفیف به فروش می رسند

حسین قربانی

زندگی سلام

* اینایی که هی می خورن ولی چاق نمیشن رو کاری ندارم، اما اینایی که مسواک هم نزنن دندوناشون سفیده رو کجای دلم بذارم؟!
* پیامک اومده کاهش وزن در ۴۰ دقیقه بدون بازگشت با متد اروپایی. تنها چیزی که به ذهنم می‌رسه قطع عضو با گیوتینه!
* کاش دلار بشه پنج هزار تومن. حداقل معادل قیمت تجهیزات جانبی گوشی و رایانه رو راحت تر حساب کنیم. پول که نداریم بخریم!
* زنگ زدم آی فیلم گفتم سریال هاتون خیلی تکراری و بی محتوا شده. گفت نیست حالا زندگی خودت پر از هیجانه و هر روزت با روز قبل فرق داره! به نظرم این نحوه برخورد با بیننده سریال‌های تاریخی اصلا درست نبود!
* یک زمانی میکرو و سگا بازی می کردیم، یه روز کامل زحمت می‌کشیدیم می‌رسیدیم مرحله آخر، بعد می‌باختیم می‌رفت مرحله اول. برای همینه نسل جدید نمی دونه Game over یعنی چی!
* هرچی بخری بازم هستن کسایی که میگن «اِ چرا اینو خریدی؟ با همین پول می تونستی از این بهتر رو بخری»!
* انگار یک نفر از کارخونه می فرستن فاصله تخت و پریز رو اندازه بگیره که سیم شارژر رو کوتاه تر از اون درست کنن!
* هر وقت کسی پیام داد slm chtri، جواب بدین «چی؟» که هم مثل آدم حرف بزنه و هم اون یه ثانیه ای رو که صرفه جویی کرده ، دوباره عقب بیفته!

Like Comment

آزمون هوش

عبور از استخر بدون خیس شدن!

این آقا می خواهد خودش را به سکوی وسط استخر برساند، بدون این که خیس شود. برای این کار فقط دو تخته چوب دارد که طول شان کوتاهتر از فاصله لبه استخر تا سکوست. به نظر شما چه کند؟

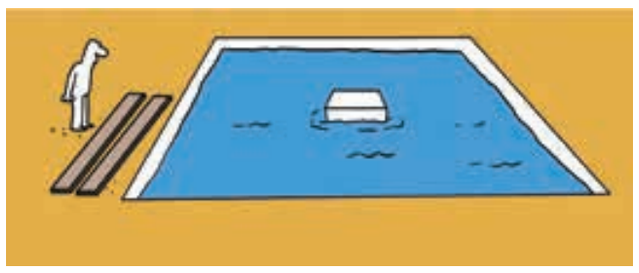

پاسخ مسابقه چی میگه؟

پول بلیت رو رد کن بیاد!

سلام. ممنون از همه که با شیوه درست و طبق روش و با نام تو مسابقه شرکت کردین. نشون دادین که «چی میگه» رو بیشتر دوست دارین و نمکتون تو این یکی مسابقه بیشتره. فقط لطفا دست از کلیشه هایی مثل یارانه، تیپ، دیدن طلبکار و... بردارین و با زاویه دید نو به عکس ها نگاه کنین!

برای بار هزارم خواهش می کنیم حتما در ابتدای پیامک ها نام ستون «چی میگه» و در انتها هم نام خودتون رو بنویسید! همکاران روابط عمومی به اندازه کافی برای تفکیک پیامک ها زحمت می کشن، لطفا زحمتشون رو بیشتر نکنین. چند تا از جمله های بانمک تر رو انتخاب کردیم که می خونید. دم تون گرم و خوش باشید همیشه.

* نوید: هومن جان گلاب به‌روت میشه بگی دستشویی این سینما کجاست؟! **محمدرضا صدفیان**
* قراره یه نقش بهمون بدن به هم وصل و چسبیده باشیم از سمت گوش! **فرهاد دوست علی**
* کل فیلم رو ضبط کردم، تا کسی متوجه نشده پاشو بیاشکی در بریم! **کیان مهرهاشمی‌بنی**
* هومن: آوردمت این جا، تو این سالن خالی که اون دیالوگ شاهکارت رو هرچقدر دوست داری تکرار کنی و هی داد بزنی نرو سمیه، نرو سمیه تا جونت بالا بیاد. **محمدرضا حجتی**
* ببین امیر جدیدی چطور داره نگاهمون می کنه؟ فکر کنم ناراحته تو این فیلمت بهش نقشی ندادی. **مهدیه. الف**
* میشه یک نقشی تو فیلمات به من بدی که معتاد و قاتل و بیمار روانی نباشم؟ **غلامرضا قلی پور، روستای به آباد**
* نگا کن هومن از جات ور نخزی که اوجور که بوش میه مخن شام شله بدن! **محمد خود کامه**
* نوید: نمی دونم چرا توهم زدم فکر می کنم کسی تو سالن نیست هومن؟ **مصطفی گلمکانی**
* نوید: دیشب باباتو تو خواب دیدم هومن، بهم گفت از طرف من هومن رو ببوس. اون جا رو نگاه کن... **سید جواد چراغ سحر**
* نوید: نگا، سمیه موقع رفتن چه تیپی زده! **محبوبه علی اکبریان**
* نوید: به نظرت مدیری رو دیدم بهش بگم اگه یک دونه BMW بهم بدی اون شلوار معروفم رو بهت میدم بذاری تو موزه دور همی. **مهدیه کاظمی**
* نوید: برم زیر سیمرغ پارسالم رو نگاه کنم اگه تخم کرده بیارم یک املت دور هم بزنیم هومن جان. **صدیقه سیدی**
* نوید: من هنوز تو ترکم پاشو بریم. **حمید نظری**
* میگم یه وقت بد نیست فیلم ساعت هشت پخش میشه و الان ظهره ما اومدیم؟ **مسعود عطایی**
* هومن ببین اون قسمت آبمیوه می فروشن، بیا بریم یه آب هویج بگیرم بخور واسه چشات خوبه. **مهدی مهربان**
* خوب ست کردی رنگ عینکت رو با رو کش صندلیا خوش تیپ! منم یه چیزایی بلدم، نگاه شالم رو! **لیلی خیری**
* هومن: نوید جون شنیدم دیشب قبل خواب مسواک نزدی جیگرم. مگه نگفتم هروقت مسواک زدی بعد بیا کنار من بشین؟ **میلاد لزگی**
* نوید: نیشت رو ببند پول بلیتم رو رد کن بیاد! **امیر محمد خسروانی**
* نوید: حیف یک ریال پول بلیت واسه این فیلم بی سر و تهی که ساختی، چیه این؟ ماقبل مقوا و شونه تخم مرغ هم نیست آقای کارگردان! **حسین استادیان**
* نوید: خواهشا تا روی سن اسکورتم کن! چون به کش تنبانم هیچ اعتباری نیست. **احسان اسعدی**
* نوید، پاشو بریم سر سفره تا تهش رو درنیاوردن، تا صبح هم این جا بشینیم یه لیوان آب هم دستمون نمیدن! **مینو اسعدی**